

به نام صاحب قرآن، خداوند
که پیغامش جهانی نو پی فکند

با تبریک به مناسبت اعیاد شعبانیه و انتشار یکی از مهم‌ترین ترجمه‌های قرآن کریم به زبان فارسی که واقعاً در طول تاریخ هزار و پانصد ساله ترجمه قرآن سابقه‌ای به این درخشانی ندارد. این بنده به عنوان یک قرآن‌پژوه و مترجم قرآن و کسی که بیش از بیست و شاید نزدیک به سی سال شاهد کوشش‌های قرآن‌شناسانه و قرآن‌پژوهانه سرور دانشورم آیت‌الله محمدعلی کوشا بوده‌ام، نکاتی چند پیرامون ترجمه قرآن و این ترجمه درخشان سخن می‌گویم.

بعضی جوان‌ترها ولو دانشمند گمان می‌کنند با داشتن اطلاعاتی از علوم اسلامی و آشنایی با زبان عربی (که البته این آشنایی هرگز نمی‌تواند کافی باشد) می‌توانند به ترجمه قرآن، آن هم در عصر فراوانی ترجمه‌های فارسی بپردازند. از همه خوانندگان یا شنوندگان این متن کوتاه استدعا دارم همواره هشدار دهند که مبادا کسی چنین کاری کند. ترجمه قرآن انس و آشنایی و اطلاع عمیقی از علوم اسلامی اقتضا دارد. یعنی رشته‌هایی چون تاریخ قرآن، و اول انس با خود قرآن، انسی که کمتر از بیست و پنج یا سی سال باشد کارآیی نهایی ندارد و آشنایی با یکایک علوم قرآنی و اسلامی. علوم قرآنی مانند تاریخ قرآن، ناسخ و منسوخ، مکی و مدنی، محکم و متشابه و سایر رشته‌ها و علوم اسلامی مانند: فقه و کلام و حدیث و مخصوصاً علوم بلاغت که در کتبی چون مطول تفتازانی آمده است و چندین رشته دیگر استاد دیده و یا خودآموزی‌های ژرف و گسترده کرده باشند.

امروزه عصر فراوانی ترجمه‌هاست و یک نکته مهم که حتی صاحب‌نظران هم فراموش می‌کنند این است که برای هر ترجمه‌ای بویژه ترجمه قرآن، تسلط کافی به زبان فارسی ارزش و اهمیت حیاتی دارد. ما زبان فارسی را به دو گونه می‌آموزیم و اصولاً هر صاحب‌زبانی زبان مادری‌اش را در دو سطح می‌آموزد. سطح اول آن است که ناآگاهانه و از خردسالی آغاز می‌شود تا حدود مثلاً ده - پانزده سالگی. سطح دوم آگاهانه آغاز می‌شود و بر مبنای مطالعات

زبان‌شناسی و دستور زبانی و نیز متون نظم و نثر کهن و نظایر آن. تا دیر نشده به اهمیت دستور زبان فارسی و اهمیت صرف و نحو عربی در ترجمه قرآن اشاره کنم. امروزه اگر کسی زبان عربی محاوره به خوبی بداند و بخواهد قرآن ترجمه بکند، فقط پنج درصد امتیاز دارد، نود و پنج درصد دیگر به آموخته‌های او مربوط می‌شود. من به مسئله شرایط مترجم قرآن در بعضی از مقالاتم اشاره کرده‌ام. در اینجا فقط به یک نکته دیگر می‌پردازم و آن انس عمیق با قرآن است. اصولاً روخوانی قرآن دو سال کوشش دبستانی و دبیرستانی و یا در روستاها مکتبی و دیدن استادها با تجربه نیاز دارد. زیرا یک قاعده مهم مربوط به تفسیر و ترجمه قرآن داریم و آن این است که بعضی از عبارات و آیات قرآن، روشن‌گر معنای بعضی آیات و عبارات دیگر است. پس وقتی کسی که ذهنش آکنده از معانی قرآنی است به ترجمه بپردازد در معانی و آیات مکرر به مدد انس درمی‌یابد. حتی بنده در وقتی که به شرح حافظ پرداختم که نام آن حافظ‌نامه است مدت بیش از بیست سال فقط دیوان حافظ را می‌خواندم و درباره ظرافت‌های هر شعری اندیشه می‌کردم و سپس دیوان حافظ را می‌بستم و با کسی هم بحث و گفتگو نمی‌کردم. این روش را بیش از دو دهه ادامه دادم تا انس ابتدایی و اولیه با معانی شعر حافظ پیدا کردم، سپس با احتیاط و مطالعه و مراجعه به منابع حافظ‌پژوهانه بسیار دست به این کار زدم و تازه معترفم که کار مهمی هم انجام نداده‌ام ولی در آن هنگام یعنی نزدیک به چهل سال پیش منابع و حتی فهرست‌هایی که ابیات حافظ را نشان بدهد نداشتیم و من درباره بسیاری ابیات که می‌خواستم ابیات مشابه بیاورم آن را از حافظه نقل می‌کردم. و این محصول همان انس بیش از دو دهه با شعر حافظ بود.

باری، از بحث اصلی دور نیفتیم. هنگامی که در حدود بیش از دو دهه پیش استاد کوشا کتابی در نقد ترجمه‌های فارسی ممتاز قرآن نوشتند من از دقت و صحت آن کتاب تکان خوردم و گفتم این بزرگمرد کیست که این همه احاطه بر گوشه کنار معانی قرآن دارد. سپس ایشان را شناختم و دوستی عمیق برادرانه و علمی و عاطفی بین ما آغاز شد که بحمدالله با ژرفای بیشتر و همواره با بحث‌های قرآنی ادامه دارد. ایشان تمام شرایطی را که اشاره‌وار گفته شد برای ترجمه قرآن ضرورت اساسی دارد در خود جمع داشته‌اند. و خدا و سپس ما دوستان ایشان و ناشر این ترجمه شامخ می‌دانیم که ایشان چقدر دقت در حد وسواس به خرج می‌دادند

و ترجمه خود را بازخوانی و بسیارخوانی می کردند. حتی سه نفر از قرآن پژوهان از جمله آقایان دکتر نادعلی عاشوری و آقای محمد جوکار و این بنده هم به پیشنهاد ایشان آن ترجمه را صمیمانه و صادقانه ویرایش کردیم. اکنون که این ترجمه منتشر شده با همه رکودی که بر بازار کتاب حاکم است، تمام نسخه های چاپ اول این ترجمه در ظرف کمتر از دو ماه به فروش رفته است و ناشر اقدام به تجدید چاپ کرده است. از آن سو مترجم عالی مقام باز به بازخوانی و ویرایش مجدد کار پرداخته است و من هم ویرایش دیگری را از سر گرفته ام. به واقع بنده قرآن پژوه و مترجم حرفه ای و نویسنده کتابی درباره ترجمه و کتاب دیگری درباره ارزیابی ترجمه های امروزی فارسی قرآن کریم (بیش از چهل ترجمه)، وقتی نسخه ای از این ترجمه مبارک به دستم رسید و صفحاتی مطالعه کردم، به درگاه خداوند شکر کردم که ترجمه ای به عرصه فرهنگ ما آمده است که بیشترین محسنات و کمترین اشکالات را در بر دارد. بارها از من می پرسند بهترین ترجمه فارسی قرآن کدام است؟ و من پاسخ می دهم این سؤال را نپرسید چون دشوار است و اصولاً می توان گفت بهترین ترجمه قرآن نداریم. اما اگر ناگزیر از پاسخ دادن باشیم می توان گفت که ترجمه استاد محمدعلی کوشا چه بسا برترین ترجمه در میان ترجمه های برتر فارسی قرآن کریم باشد. نثر این ترجمه بسیار شیوا و شفاف است و هرگز طبق اصطلاح مرحوم سیدمحمدعلی جمالزاده «بوی ترجمه» نمی دهد. در حالی که اهل فن می دانند زدودن «بوی ترجمه» از ترجمه دست کم و درباره قرآن نیاز به احراز و رعایت در حدود بیست شرط و صلاحیت دارد.

باری، بحث مفصل تر را بنده در پی گفتار همین ترجمه آورده ام. آقای دکتر عاشوری هم یادداشتی درباره ویرایش خودشان نوشته اند و خود استاد کوشا هم بحث مفصل تری کرده است که از علمی ترین بحث های ترجمه پژوهی قرآن در عصر جدید است.

من با آنکه دو سه سال دیگر اگر زنده باشم هشتادساله می شوم با کمبود نیرو و خستگی پنجاه سال کار برابر با هفتاد سال، هر روزه با عشق و علاقه زایدالوصفی سه صفحه از متن اصلی قرآن و این ترجمه را می خوانم و یادداشت هایی برای مترجم عالی قدر آن می نویسم و ترجمه ایشان را «تاج التراجم» نامیده ام.

ناگفته نماند که ناشر باسلیقه این ترجمه انتشارات نی به مدیریت آقای جعفر همایی است.

و با آرزوی ویرایش مجدد حضرت استاد کوشا و بنده و دیگر دوستان نزدیک و صاحب نظر
ایشان و انتشار مکرر و متعدد این ترجمه، این گفتار کوتاه را به پایان می‌برم.
خداش در همه حال از بلا ننگه دارد.